خط‌کش کج سریع‌القلم

اظهارات محمود سریع‌القلم مبنی بر این‌که «نباید افراد طبقه ضعیف در ایران پست بگیرند»، مغالطه‌ای است که نه با تجربه جهانی سازگار است و نه با واقعیت ایران

امینی
economice@khorasannews.com

سخنان اخیر محمود سریع‌القلم، استادتمام دانشگاه شهید بهشتی، درباره ضرورت «طبقه‌متوسط‌بودن» برای ورود به سیاست و اقتصاد، نمونه‌ای قابل تأمل از نوعی رویکرد نخبه‌گرایی طبقاتی است که در دهه‌های اخیر بارها نقد شده است و در بسیاری از مطالعات توسعه، به‌عنوان یک خطای نظری و تجربی شناخته می‌شود. سخنان او از زوایای مختلف قابل نقد است: خطاهای شناختی، غفلت روش‌شناختی و تعارض با الگوهای تاریخی توسعه و حکمرانی.

سریع‌القلم چه گفت؟

او در ویدئویی، با طرح تجربه‌ای از اپلیکیشن دانشگاهی خود در آمریکا، توضیح می‌دهد که پرسش دانشگاه درباره داشتن «اتاق شخصی در کودکی» برای سنجش طبقه اجتماعی بوده و بر این اساس، افراد طبقه متوسط به بالا صلاحیت بیشتری برای ورود به سیاست و اقتصاد دارند.
او سپس می گوید: ریشه بسیاری از مشکلات امروز ما در طبقه‌ای است که الان در کشور حاکم است. این قشر دنیا را نمی‌شناسد. اقتصاد را نمی‌شناسد. اصلاً نمی داند که چه جوری باید گره‌هایش را با دیگران حل کند. سریع القلم با اشاره به یک شخص و یک روزنامه که اسم آن‌ها را هم نمی آورد، ادامه می دهد: مثلاً می گوید که وزیر خارجه کریه صفت آمریکا. کسی که از طبقه متوسط باشد این حرف را نمی زند. یا مثلاً آن روزنامه معروف در تهران هر چه دلش می خواهد به زن رئیس جمهور فرانسه می گوید. آن‌ها چیزی نمی گویند، اما یک جایی ثبت می کنند و بعداً هشت ماه برجام را به تاخیر می اندازند. او در ادامه می گوید: هر کسی را نباید اجازه داد بیاید وزیر اقتصاد شود، وزیر خارجه شود، نماینده مجلس شود. طبقه متوسط هست که آینده این کشور را رقم می‌زند. کسانی که تصمیم می گیرند خیلی هایشان به دنبال جبران محرومیت های گذشته اند و این نمی تواند یک کشور را مدیریت کند. این نمی تواند شوکت ایران را برقرار کند.

ظاهر و باطن یک ادعای عجیب

در ظاهر، سخنان او توصیه‌ای برای احراز صلاحیت مدیران است. اما بلافاصله پرسش‌هایی پدید می‌آید:

- کدام بخش از زندگی افراد (کودکی، نوجوانی، جوانی) معیار طبقه است؟
- آیا فقر یا ثروت لزوماً نشانه ناتوانی یا بی کفایتی است؟
- آیا تاریخ سیاست جهانی چنین گزاره‌ای را تأیید می کند؟

تجربه جهانی خلاف این را می گوید. ده‌ها رهبر و سیاستمدار مؤثر جهان از طبقات متوسط یا فرودست آمده‌اند: گاندی در هند، آبراهام لینکلن، دوایت آیزنهاور، ریچارد نیکسون، جیمی کارتر و تا حدی بیل کلینتون در آمریکا. یعنی نه فقر مانع مدیریت است و نه ثروت ضامن آن.
اما در باطن ماجرا، یک دال مرکزی دیده می‌شود: توجیه کردن شکست تعامل با غرب از طریق متهم کردن «طبقات پایین» به ناآشنایی با آداب دیپلماتیک. گویی مشکل اصلی، نه ساختار قدرت جهانی و نه فشارهای سیاسی، بلکه چند نقد تند یک روزنامه در تهران یا اظهارات یک شخص بوده است.

ثروت = شایستگی؟ یک خطای کلاسیک

ادعای سریع القلم، معلول یکی از ابتدایی ترین خطاهای انسان شناسی است؛ جایگزینی ثروت با توانایی. افزایش ثروت یک فرد می‌تواند حاصل:
تولید ارزش افزوده، آموزش با کیفیت، یا بالعکس: رانت، موقعیت خانوادگی، ارث، سفته‌بازی، یا فعالیت‌های نامولد باشد.
این یعنی از «مظاهر رفاه» نمی‌توان به «توانایی مدیریتی» رسید. همان گونه که فقر نیز الزاماً نشانه بی کفایتی نیست؛ چه‌بسا حاصل ساختارهای ناعادلانه، فرصت‌های مسدود یا شرایط خانوادگی باشد.

ضعف طبقاتی یا سوءمدیریت یا استضعاف؟

در سخنان او فرض شده که طبقه ضعیف، علت مشکلات کشور است؛ نه ساختارهای توزیع فرصت، نه کیفیت حکمرانی، نه حتی تحریم به دلیل استقلال طلبی و نه نابرابری.
این موضوع به گفته برخی کارشناسان، یک «خطای ساخت‌شناسی» است. چرا که وقتی دو ملت یا دو طبقه را با هم مقایسه می کنیم، باید ببینیم:

- آیا یکی تحت تحریم است یا نه؟
- آیا فرصت تحصیل، رقابت آزاد، دسترسی به منابع و امکان پیشرفت داشته است؟
- آیا در معرض هجوم فرهنگی، امنیتی یا اقتصادی بوده است؟

نادیده گرفتن این عوامل، با آینده بشر به روایت قرآن کریم نیز در تعارض است. جایی که به این مضمون بیان شده است: زمین را مردمانی که به استضعاف کشیده شده اند، به میراث می برند. این موضوع نیز نشان می دهد بخشی از اقشار در دهک های ضعیف، افرادی هستند که در نتیجه ساختارهای ناعادلانه به استضعاف کشیده شده اند و این افراد به هیچ عنوان انسان های کم توانی از نظر مدیریت نیستند. با این معیار (و با اذعان به سوءمدیریت های موجود در کشور)، تحلیل سریع القلم با واقعیات امروز کشور ما و همچنین منطق تاریخی و اجتماعی در تضاد است.

ادعایی بدون پشتوانه علمی

نکته مهم دیگر، فقدان هر گونه تکیه گاه تجربی در این سخنان است. هیچ پژوهش جامعه‌شناختی معتبر ادعا نمی کند «طبقه متوسط به بالا ذاتاً مدیر بهتری تولید می کند». هیچ نظریه توسعه‌ای نگفته «فقرا نباید وارد ساختار قدرت شوند».
این رویکرد شبیه همان ادعا درباره تاثیر «ضخامت کورتکس مغز بر توسعه» است: نوعی زیست‌شناسی کردنِ توسعه، بدون کوچک‌ترین پشتوانه تجربی.
این در حالی است که از نظر دانش توسعه، متغیرهای مؤثر عبارت‌اند از: شفافیت، نهادها، قانون، آموزش، مشارکت، انضباط مالی، آزادی اقتصادی و اعتماد اجتماعی. نه مدل خودرو، نه محل تولد، نه داشتن یا نداشتن اتاق شخصی.

تقلیل توسعه به آداب اشرافی

یکی از نکات عجیب سخنان او، مثال هایی است که برای «عقب ماندگی» می آورد: اهانت یک روزنامه‌نگار ایرانی به همسر رئیس جمهور فرانسه! بله رعایت موازین اخلاقی در نگاه رشد جامعه اسلامی- ایرانی، از اصول لازم است. اما وی طوری بیان کرده که گویی قبولی در آزمون توسعه به مفهوم عام، وابسته به رعایت آداب اشرافی در برابر نخبگان سفیدپوست غربی است. اما آیا او همین میزان حساسیت را نسبت به توهین رسانه‌های غربی به مقدسات مسلمانان دارد؟ پاسخ تقریباً روشن است: خیر. و این، نشان‌دهنده درونی‌سازی منطق طبقاتی جهانی است: برخی تحلیلگران داخلی، خود را «طبقه فرودست جهان» می‌دانند که باید در مقابل «طبقه ممتاز غرب» رعیت‌وار رفتار کنند. این تصادفی نیست؛ این همان منطق است که در داخل کشور نیز بازتولید می‌شود: فقیر باید رعیت باشد؛ غنی باید ارباب.



تجربه آمریکا: نخبگان بسته، نه الزاماً شایسته

اگر هم سخنان او ناظر به تجربه آمریکا باشد، باید گفت بله: بخش مهمی از ساخت قدرت در آمریکا از طبقات مرفه می آید. اما علت آن نه به خاطر ژن ذاتی خوب (به عنوان مثال IQ بالا) بلکه به خاطر سایر ژن ها! نظیر ژن بهره مندی از امکانات خوب برای راهیابی به مدارس و دانشگاه های گران و فوق گران، ژن بهره مندی از شبکه خانوادگی ثروتمند، ژن برخورداری حمایت مالی در کمپین های سیاسی، ژن خودتکثیری های نهادی مانند هیئت مدیره ها، صندوق های سرمایه و... است. این دقیقاً مورد انتقاد کارشناسان توسعه است؛ چرا که چنین چرخه بسته‌ای (که یکی از مهم ترین دلایل شکل گیری اقتصادی آن، رشد بیشتر بازده سرمایه نسبت به رشد اقتصادی است) بخش بزرگی از ظرفیت انسانی جامعه را حذف می کند.

اصل حرف چیز دیگری است؟

با کنار هم گذاشتن مثال های او، روشن می‌شود که محور اصلی انتقادش «رفتار برخی سیاستمداران استقلال طلب ایران در برابر غرب» است؛ نه مسئله طبقه اجتماعی.
اما در همین ادعا نیز یک تناقض بزرگ وجود دارد: همان سیاستمداری که به نظر می رسد هدف اشاره اوست، از نظر بسیاری از منابع بین المللی، یکی از توانمندترین استراتژیست های منطقه‌ای و باهوش‌ترین چهره‌های سیاست ایران توصیف شده است- یک نمونه نقض کامل برای نظریه او.
در مجموع باید گفت: سخنان سریع القلم نه بر داده استوار است، نه بر تجربه، نه بر تحلیل علمی توسعه. این سخنان بیش از آن که تبیین کننده مشکلات ایران باشد، بازتاب یک جهان‌بینی طبقاتی است که در آن ثروت به‌جای توانایی می‌نشیند، ادب ظاهری جای سیاست را پر می کند و «تعامل با غرب» به معیار تشخیص صلاحیت تبدیل می‌شود.
در حالی که تجربه تاریخی و اجتماعی- از هند تا آمریکا و از انقلاب‌ها تا اصلاحات- نشان می‌دهد پیشرفت زمانی رخ می‌دهد که همه طبقات جامعه فرصت مشارکت، رقابت و نقش‌آفرینی داشته باشند؛ نه زمانی که یک طبقه بر بقیه خط کش بکشد.

صعود قیمت‌ها در بازار طلا و ارز

طلا، سکه و دلار، که بازار معاملات صبح دیروز را با افزایش چشمگیر قیمت‌ها آغاز کرده بودند، در بازار عصر نیز به روند افزایشی خود ادامه دادند و طلا و سکه بر بام تاریخی قیمت خود ایستادند.
در بازار، هر گرم طلای ۱۸ عیار با ۳۶۵ هزار تومان افزایش و با نرخ ۱۱ میلیون و ۸۳۰ هزار تومان معامله شد؛ سکه با ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان افزایش، ۱۲۲ میلیون و ۸۱۰ هزار تومان قیمت گذاری شد. نیم‌سکه و ربع سکه نیز به ترتیب، ۶۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان و ۳۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در تابلوی اعلان قیمت‌ها نمایان شدند. دیروز همچنین نرخ دلار با افزایش حدود ۱۷۰۰ تومانی، به ۱۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان رسید.

انتقاد عضو کمیسیون اقتصادی مجلس از نادیده گرفتن بیمه رانندگان تاکسی های اینترنتی

خراسان- میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در یادداشتی نوشت: شکل گیری قواعد کار مانند حداقل حقوق، بیمه، تعطیلات و اضافه کار، حاصل سال ها مبارزه و تلاش حامیان حقوق کارگران در نقاط مختلف جهان بوده است. نسل جدید سرمایه داری (سرمایه‌داری پلتفرمی) امازمینه‌ای را برای نادیده گرفتن این حقوق اساسی ایجاد کرده است. پلتفرم هایی مانند پلتفرم های حمل و نقل با این ادعا که صرفاً واسط بین خدمت دهنده و کاربر هستند، عملاً خود را از رعایت این ضوابط معاف کرده اند. این در حالی است که نوع تعامل این پلتفرم ها با نیروی کار مانند تشویق و تنبیه، رتبه بندی، جریمه، پیگیری تخلفات و دریافت پورسانت دلالت بر نوعی رابطه کارگر و کارفرما و نه صرفا واسط (مانند پلتفرم های تولید محتوا) دارد. برقراری حق بیمه برای رانندگان فاقد بیمه این پلتفرم ها حداقلی ترین گام برای احیای قواعد کار در این زیست بوم است.

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

جناب آقای حمید نیکو
و سرکار خانم قاضی
وکلای محترم دادگستری
درگذشت
حاجیه خانم شجاعی باغدار
را به آن خانواده های محترم تسلیت می گوییم.
عباس ابوالفتحی
۱۵۸۳۸۴

دوست و همراه عزیزم
جناب آقای حمید نیکو
وکیل محترم پایه یک دادگستری
درگذشت مادر بزرگوارتان را
تسلیت عرض نموده،
مرا در غم خود شریک بدانید.
رضا راد
۱۵۸۳۵۹

سالگرد درگذشت پدرعزیزم
شادروان حاج علی تمامگر
گرامی باد.
روحشان شاد و یادشان جاودانه
طاهره تمامگر
۱۵۸۳۰۶

با اندوهی عمیق
درگذشت دایی عزیزمان
مهندس شاهپور بیات مختاری
را از صمیم قلب تسلیت می گوییم.
روحشان در آرامش
سهیلا، سیما، سیاوش ونغمه سروش
(فرزندان مرحومه اقدس الملوک بیات مختاری)
۱۵۸۳۲۹



ششمین سالگرد درگذشت
همسر و پدر عزیزمان شادروان
مهندس بهنام شایان
را به همراه تمامی عزیزانش گرامی میداریم.
مریم ظریف پور، اردلان شایان
کیاناشایان
۱۵۷۹۶۸

جناب آقای محمد نیکو
رئیس محترم جامعه هتل آپارتمان داران استان خراسان رضوی
با نهایت تاسف و تاثر، مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده
از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی
و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی آرزومندیم.
جامعه حرفه ای هتلداران استان خراسان رضوی
کانون تشکل های حرفه ای گردشگری خراسان رضوی
۱۵۸۳۲۶



از مرگ ناگهانیت ای نازنین پسر
بیگانه سوخت تا چه رسد آشنای تو
پنهان به خاک گشت چو قدر رسای تو
غمگین مباش در دل ما هست جای تو

دو سال از غروب عزیزمان
دکتر فرزین زیوری
گذشت.
بودنت آنقدر قشنگ بود که رفتنت را باور نمی کنیم
زیرا که بودنت آرامش و رفتنت دلتنگی همیشگی ماست
و گذشت ایام نیز قادر نخواهد بود دل‌های پر از درد و رنج ما را اندکی تسکین دهد.
با احترام به شخصیت والای عزیز، هزینه مراسم به امور خیریه اختصاص یافت.
خانواده زیوری
۱۵۸۱۵۷